



مکتب‌های سیار

اجرای یک الگوی کاملاً بومی، مهم‌ترین عامل توفیق بهمن‌بیگی

شهین ایروانی

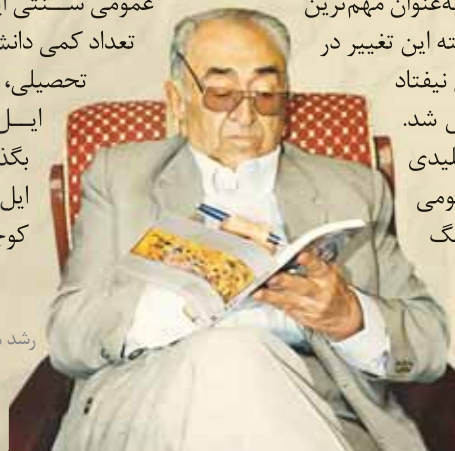
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

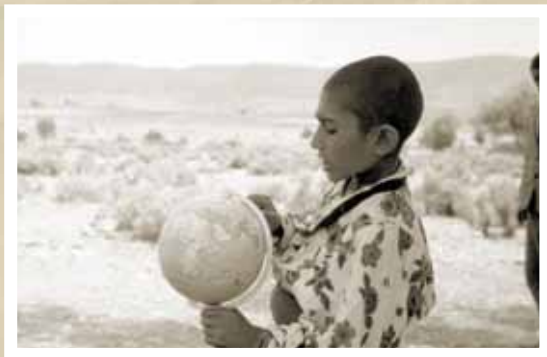
بومی آن متمایز شد. ساده‌ترین مورد تمایز، پوشیدن لباسی از نظر فرهنگی بیگانه با لباس خانگی دانش‌آموز و به صورت متحدالشکل در مدرسه بود. تفاوت در حالت و محل نشیمن در خانه و مدرسه تمایز دیگر این دو محیط بود. کودکان که در خانه روی زمین می‌نشستند، در کلاس باید روی نیمکت و پشت میز، در کنار هم و گاه با فشردگی و تنگی می‌نشستند که امکان حرکت را از آن‌ها می‌گرفت. معلمان با لباس‌هایی بیگانه و نامشابه با لباس و ظاهر والدین، در کلاس و مدرسه ظاهر می‌شدند و محتوای آموزش نیز با تجارب و مسائل روزمره ایشان قرابتی نداشت.

بهمن‌بیگی برخلاف سایر مربیان ایرانی، کارش را با الگویی کاملاً بومی آغاز کرد. وی در واقع، مکتب را - که نهاد آموزش عمومی سنتی ایران بود- مبنای مدرسه‌اش گرفت: یک معلم، تعداد کمی دانش‌آموز در سنین متفاوت و پایه‌های مختلف تحصیلی، در یک مکان کوچک؛ این الگو را اگر با شرایط ایل - زندگی در چادر و کوچ سالانه - کنار هم بگذاریم، مکتب‌های سیار چادری و کاملاً بومی ایل متولد می‌شود. بهمن‌بیگی این مکتب‌های کوچک را خلق کرد. معلمان او نیز باسوادان و

محمد بهمن‌بیگی (۱۳۸۹-۱۲۹۸ش) بنیان‌گذار آموزش عشایر است که کمیت و کیفیت فعالیت‌هایش به مدت ۲۵ سال، طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۳ او را واجد نشان «معلم نمونه جهانی» در سال ۱۹۷۴ میلادی کرد. وی در این مدت، بیش از نیم میلیون نفر از مردم عشایر را باسواد و ده هزار معلم تربیت کرد و براساس یافته‌های پژوهشی، مدارس چادری او دارای بالاترین کیفیت آموزشی در میان انواع مدارس کشور بود. در اینجا، ماهیت بومی الگوی آموزشی بهمن‌بیگی به عنوان مهم‌ترین عامل توفیق او معرفی می‌شود.

قرن‌ها نهاد آموزش عمومی در ایران و کشورهای اسلامی مکتب بود. تحمیل‌های سیاسی - نظامی قدرت‌های اروپایی و آسیب‌های وارده، موجب احساس عقب‌ماندگی و نیاز به تحول شد و سواد و تحصیل به عنوان مهم‌ترین امکان تغییر انتخاب گردید. البته این تغییر در روش و برنامه‌های مکتب اتفاق نیفتاد بلکه الگوی مدرسه مدرن اقتباس شد. مدرسه برخلاف مکتب، نهادی تقلیدی بود که خیلی زود هویت غیربومی خود را نمایاند و از مکتب و فرهنگ





مندرج در تمامی آثارش).

به این ترتیب، هر دانش آموز در حیطه توجه و تأثیر معلم قرار داشت و همانند مکتب، تا زمانی که معلم از یادگیری دانش آموز اطمینان حاصل نمی کرد، او کماکان در معرض آموزش بود و آنگاه که توانایی یادگیری بیشتری داشت، همانند مکتب، کتاب دیگری را آغاز و پایه دیگری را نیز در همان سال تحصیلی طی می کرد (مدارس چادری در سال دو بار امتحان پایانی برگزار می کردند).

از آنجا که مدرسه در متن جامعه ایلی و چادری در کنار سایر چادرها بود، زمان های بیشتری صرف فعالیت آموزشی می شد و معلم و دانش آموزان چندان مقید به ساعات تعیین شده آموزش روزانه مدرسه نبودند (توصیف بهمن بیگی از معلمان ایلی در خاطرات آموزشی اش، ۱۳۸۶).

چادر مدرسه شبیه چادر محل سکونت دانش آموزان بود. لباس بچه ها و لباس معلم همان لباس مردم ایل بود. مکان نشستن روی زمین و روی زیلو، همانند خانه بود. گارلیتز از قول گیگن می گوید: «من و بهمن بیگی تلاش کردیم که برای مدرسه چادری میز و نیمکت چوبی بسازیم اما بچه ها نشستن روی زمین را ترجیح می دادند» (گارلیتز، ۲۰۰۸: ۱۰۴).

بهمن بیگی همان گونه که خود می گوید کارشناس تعلیم و تربیت نبود و این رویکرد را آگاهانه و با علم به پیامدهای آسیب زای عدم سنخیت مدرسه و دانش آموزان انتخاب نکرده بود. علت انتخاب وی، «تکیه بر داشته هایش» بود؛ زیرا مدارس جدید در ایل امکان شکل گیری نداشت و ترویج مکتب معمول نیز به دلیل



نیمه باسوادان ایلیاتی بودند که بیشتر آن ها در مرحله آغازین، یا معلمان مکتب و یا شاگردان این مکتب ها بودند: «آنچه من می خواستم تعمیم این مکتب ها و مدارس خصوصی بود. می خواستم که نعمت سواد عمومیت یابد و همگانی شود تا فقیر نیز مثل غنی، و چوپان زاده هم مانند خان زاده بر این سفره کریم بنشینند» (بهمن بیگی، ۱۳۸۶: ۱۳). بهمن بیگی کارش را با این مکتب های سیار آغاز کرد و به تدریج آن ها را به مدرسه تبدیل کرد. وی در خاطرات آموزشی اش مدام از اصطلاح «مکتب های سیار» استفاده می کند (بهمن بیگی، ۱۳۸۶: ۲۰).

بهمن بیگی در مدرسه چادری اش در محتوا و روش از سبک آموزش در مکتب متأثر بود. ریشه این شباهت این است که سبک آموزش مکتب ساده ترین شکل آموزش و مکتب ساده ترین و کوچک ترین مدرسه ممکن است اما او اگر چه با سبک و قالب مکتب آغاز کرد، در آن باقی نماند بلکه خیلی سریع عناصری از مدرسه جدید را نیز به آن افزود. تخته سیاه و گچ مشخص ترین و در دسترس ترین نماد مدرسه جدید در مدارس چادری بود. نقشه، کره جغرافیایی، خط کش و لوازمی نظیر آن نمادهای دیگر بودند. در مدرسه چادری هر جا که امکان تحصیل برای دختر یا دختران فراهم می شد، مختلط بود. البته برخی مکتب ها نیز برای سنین کوچکتر به صورت مختلط تشکیل می شد.

در تعیین محتوای آموزش، بهمن بیگی بر ادبیات و ریاضیات تأکید بسیار داشت. او خود فردی ادیب بود و به شعر فارسی علاقه ای بسیار داشت و به همین دلیل، ادبیات و یادگیری اشعار فارسی و حفظ و مشاعره آن ها بخشی از برنامه آموزش در مدارس چادری به حساب می آمد. او خود به این موضوع اذعان دارد که بر مهارت های پایه، یعنی خواندن، نوشتن و حساب کردن در مدرسه بسیار تأکید داشته است (بهمن بیگی، ۱۳۸۶). به علاوه، نظیر مکتب، تکرار و تمرین دروس در مدارس به کرات انجام می شد.

در روش آموزش نیز، باید اذعان کرد که مدرسه چادری و مکتب مشترکاتی اساسی داشتند. آموزش در گروه های کوچک انجام می شد. معلم واحد بود و تمامی دانش آموزان خود و حتی خانواده های آن ها را به خوبی می شناخت. ارتباط معلم نه فقط با جمع دانش آموزان بلکه ارتباط چهره به چهره با تک تک دانش آموزان بود. گاه حتی با وجود تعدد مدارس و دانش آموزان، ارتباط خود بهمن بیگی نیز با دانش آموزان همین گونه بود؛ زیرا فراوان به بازدید از مدارس می رفت و خود امتحانات دانش آموزان را دست کم در سال های اولیه به صورت تک به تک و شفاهی برگزار می کرد (خاطرات بازدیدهای بهمن بیگی

**تجربه بهمن بیگی
یعنی تجربه «ناب
بومی ایرانی» که
منجر به نتایج و
بازدهی آموزش
در خور توجهی
شده است؛ نوید
امکان اقدامات
بومی دیگر برای
تحول در نظام
آموزشی فعلی را
می دهد**

حیطه بلکه بسی وسیع تر و عمیق تر بوده است. به گونه‌ای که به موازات این اقدامات، آنچه در درون مدرسه نیز می‌گذشت، بومی بود و کیفیت درخور توجه و بازدهی آموزشی شگفت‌آور مدارس او با وجود کمیت گسترده مدارس چادری را باید پیامد این الگوی بومی دانست.

باید اذعان کنم که برای من به‌عنوان یک دغدغه‌مند عرصه اصلاحات آموزشی، تجربه بهمن‌بیگی یعنی تجربه «تاب بومی ایرانی» که منجر به نتایج و بازدهی آموزش درخور توجهی شده است؛ پدیده‌ای که در اقدامات هیچ‌یک از دیگر مریبان بزرگ و تلاش‌گر ایرانی مشاهده نمی‌شود. وجود چنین تجربه‌ای در حالی که پیچیدگی چندانی نیز نداشته است، نوید امکان اقدامات بومی دیگر برای تحول در نظام آموزشی فعلی را می‌دهد. هرچند باید به این نکته نیز توجه کرد که بهمن‌بیگی یک نظام آموزشی نو در ایل ایجاد کرد که مسبوق به سابقه نبود. او در ابتدا با یک نظام معیوب آموزشی که باید اصلاح می‌شد، طرف نبود. از قضا بهمن‌بیگی از مراجعه و تلاش برای ایجاد تغییر در تصمیمات و الگوی ثابت مدرسه دولتی به نتیجه نرسید و خودمختارانه دست به کار شد و تقریباً تا پایان دوره حضورش، این خودمختاری را اگرچه در قالب یک اداره کل دولتی، حفظ کرد.



آیا این را می‌توان بدان معنا دانست که باید از نو نظامی ساخت و نمی‌توان انتظار تحول و اصلاح در نظام نود ساله آموزشی موجود را داشت؟ این نکته نیازمند تأمل است!

* بی‌نوشت

1. Garlitz

* منابع

1. بهمن‌بیگی، محمد. (۱۳۸۶). به اجاققت قسم (خاطرات آموزشی). چاپ چهارم. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
2. Garlitz, Richard P. (2008). Academic Ambassadors in the Middle East: The University Contract Program in Turkey and Iran, 1950-1970, the College of Arts and Sciences of Ohio University.



اقتضات زندگی ایلی، امکان‌پذیر نبود. با این وصف، مکتب به دلیل ماهیت بومی و ساده‌اش در ایل ردپایی داشت. بهمن‌بیگی به دلیل تکیه بر داشته‌هایش چنین رویکردی را برگزید و همین رویکرد بود که امکان شکل‌گیری، تداوم و موفقیت برنامه‌اش را تضمین کرد اما وی در قدم‌های اول از نتایج و پیامدهای انتخاب این رویکرد آگاهی نداشت. شاهد این ادعا، طبق آنچه او در خاطرات آموزشی‌اش می‌نویسد، این است: زمانی که دکتر کریم فاطمی، مدیر کل وقت آموزش و پرورش استان فارس، به‌عنوان اولین مقام دولتی از دانش‌آموزان چند مدرسه چادری آزمون گرفت، با مشاهده نتیجه آزمون دانش‌آموزان بسیار شگفت‌زده شد. در این زمان تعداد مدارس چادری به هشتاد رسیده بود. وی یکی از بازرسان اداره را مأمور کرد که مابقی مدارس را نیز بررسی کند. به تعبیر بهمن‌بیگی، «گزارش این مأمور سرم را به آسمان رساند. من از عمق و کیفیت کار، به‌خصوص در مقام مقایسه با دبستان‌های عمومی کشور، خبر نداشتم. گزارش این مأمور مفتخر و متحیرم کرد» (بهمن‌بیگی، ۱۳۸۶: ۲۰ و ۲۱). بهمن‌بیگی خود از نتایج کار آگاهی نداشت و متحیر شده است؛ زیرا او بدون اینکه خود بداند، مؤثرترین رویکرد تحول آموزشی را برگزیده بود.

در منابعی که درباره تجربه بهمن‌بیگی به نگارش درآمده، ویژگی‌های بومی برنامه ایشان این‌گونه مطرح شده است: بهمن‌بیگی اقتضات زندگی ایلی را با انتخاب معلم از جنس ایل و ایجاد مدرسه سیار و انطباق سال تحصیلی با برنامه کوچ ایل، مبنای برنامه‌اش قرار داد اما این بومی‌گری نه فقط در این

